

تأثیر آزادی اقتصادی بر توسعه بخش بانکی ایران^۱

ابوالفضل شاه‌آبادی* راضیه داوری کیش**

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۲۳

چکیده

از مهم‌ترین ابعاد توسعه مالی، بخش بانکی است که تأثیر به‌سزایی در فرآیند تجهیز پس‌اندازها، شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و متنوع‌سازی ریسک دارد. آزادی اقتصادی عامل تعیین‌کننده در جهت توسعه بخش بانکی است که افزایش درجه آزادی اقتصادی زمینه را برای تجهیز منابع مالی، تقویت حس سپرده‌گذاری بانکی در عموم افراد جامعه هدایت سرمایه‌های اندک آنان به سمت فعالیت‌های تولیدی فراهم می‌نماید. از این‌رو، در این مطالعه به بررسی تأثیر شاخص آزادی اقتصادی بر توسعه بخش بانکی ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۹-۱۳۹۰ پرداخته می‌شود. نتایج مطالعه نشان می‌دهد آزادی اقتصادی رابطه مثبت و معناداری با توسعه بخش بانکی دارد. هم‌چنین براساس نتایج تخمین تأثیر دارایی‌های خارجی بانک مرکزی به پایه پولی و نرخ سود واقعی بر توسعه بخش بانکی مثبت و معنادار است. تأثیر بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی به پایه پولی نیز منفی و معنادار است.

طبقه‌بندی JEL: G21, G24, G38

واژگان کلیدی: شاخص آزادی اقتصادی، دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، پایه پولی، نرخ سود واقعی، بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی.

^۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد راضیه داوری کیش با راهنمایی ابوالفضل شاه‌آبادی در دانشگاه بوعلی سینا است.

shaabadia@gmail.com

* دانشیار اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده‌ی مسئول)، پست الکترونیکی:

r.davarikish@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا، پست الکترونیکی:

۱. مقدمه

توسعه مالی فرآیندی است که طی آن افراد جامعه قابلیت دسترسی ارزان قیمت به ابزارها، خدمات، بازارها و واسطه‌های مالی را پیدا می‌کنند و در یک بازار مالی توسعه یافته، اصول آزادی انتخاب و شفافیت اطلاعات به درستی رعایت می‌شود و عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان خدمات مالی، می‌توانند در کمال آزادی و آگاهی خدمت موردنظر خود را بخرند و یا بفروشند (لوین^۱، ۲۰۰۴). بنابراین توسعه مالی ظرفیت قابل توجهی دارد که استفاده کارآمد و مطابق با آن ظرفیت می‌تواند آن را بازوی رشد و توسعه گرداند. در حقیقت توسعه بخش مالی مفهومی است جامع که در شش بعد مختلف توسعه بخش بانکی، توسعه بخش غیربانکی، توسعه بخش پولی و سیاست‌گذاری پولی، مقررات و نظارت بانکی، باز بودن بخش مالی و محیط نهادی تعریف می‌گردد.

توسعه بخش بانکی به عنوان یکی از ابعاد توسعه بخش مالی نقش مهمی در تقویت حس سپرده‌گذاری در عموم افراد جامعه برای هدایت سرمایه‌های اندک آنان به سمت فعالیت‌های تولیدی ایفا می‌کند. بنابراین برای دستیابی به نظام بانکی کارآمد به عنوان یکی از مهم‌ترین اهرم‌های توسعه اقتصادی کشور، باید توجه خاصی به عوامل تعیین‌کننده آن نمود. اقتصاددانان نهادگرا افزون بر عوامل اقتصادی، عوامل غیراقتصادی نظیر شاخص آزادی اقتصادی، را از کانال‌های مهم ایجاد بستر مناسب جهت ایجاد انگیزه فعالان اقتصادی در گسترش بازارهای مالی و نقش تعیین‌کننده‌ای در ترویج بخش بانکی می‌دانند (شاه‌آبادی و ثمری، ۲۰۱۳).

بررسی تاریخی موانع ارتقاء نظام بانکی، ناظر بر این مطلب است که بهبود شاخص آزادی اقتصادی در جوامع نقش تعیین‌کننده‌ای در سپرده‌گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی در بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی دارد. طبق تحقیقات انجام شده می‌توان بیان داشت کشورهایی که دارای نظام قانونی کارآمد و امنیت حقوق مالکیت، پول سالم، آزادی تجاری و تنظیم مناسب قوانین بازار اعتباری، بازار نیروی کار و کسب و کار با حجم پایینی از فعالیت‌های دولت می‌باشند، بخش بانکی می‌تواند بستر مناسب را برای انگیزه سپرده‌گذاری در بخش بانکی و در پس آن منبع مناسب برای تامین وجوه سرمایه‌گذاری‌های بخش غیردولتی فراهم آورد، زیرا با بهبود شاخص آزادی اقتصادی زمینه برای افزایش سرمایه‌گذاری و در نهایت افزایش سپرده‌گذاری در بخش بانکی فراهم می‌شود.

¹ R. Levine

بنابراین توسعه بخش بانکی در کشورهای درحال توسعه به ویژه ایران تنها زمانی وجود خواهد داشت که این کشورها توجه خود را به سوی بهبود شاخص آزادی اقتصادی سوق دهند. با این که مطالعات متعددی در خصوص عوامل تعیین‌کننده توسعه بخش بانکی ایران صورت گرفته است، اما تاکنون مطالعات جامعی در خصوص تأثیر متغیرهای نهادی به ویژه شاخص آزادی اقتصادی با وجود نقش تعیین‌کننده آن صورت نگرفته است. بنابراین شناخت رابطه شاخص آزادی اقتصادی با توسعه بخش بانکی در اقتصاد ایران ضروری به نظر می‌رسد.

بر این اساس مطالعه حاضر به بررسی رابطه شاخص آزادی اقتصادی بر شاخص‌های توسعه بخش بانکی ایران (بدهی‌های بخش غیردولتی به مجموع بدهی‌های بخش دولتی و غیردولتی و دارایی‌های بانک‌های تجاری و تخصصی به کل دارایی‌های سیستم بانکی) طی دوره ۱۳۵۹-۱۳۹۰ پرداخته است. بنابراین در ادامه به آرایه پیشینه تحقیق در خصوص تأثیر شاخص آزادی اقتصادی بر عملکرد بخش بانکی پرداخته و سپس به مدل و تجزیه و تحلیل نتایج تخمین پرداخته می‌شود و در پایان نیز جمع‌بندی و پیشنهادهایی جهت ارتقاء بخش بانکی آرایه گردیده است.

۲. ادبیات موضوع

سیستم مالی از بازارها، ابزارها و محصولات مالی متنوعی تشکیل شده است. بازارهای مالی وظیفه کاهش هزینه‌های مبادلاتی، اطلاعاتی و عملیاتی را بر عهده دارند و از این راه پس‌اندازهای جامعه را به سمت پربرازده‌ترین پروژه‌های سرمایه‌گذاری هدایت می‌کنند. بنابراین سیستم‌های مالی کارآمد می‌توانند از طریق کسب اطلاعات درباره فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تجمیع و تجهیز پس‌اندازها، نظارت بر سرمایه‌گذاری‌ها و اعمال حاکمیت شرکتی، تسهیل مبادله کالاها و خدمات و توزیع و مدیریت ریسک، با کاهش هزینه‌های مبادله و کسب و تحلیل اطلاعات، موجب تخصیص بهتر منابع و در نهایت منجر به رشد اقتصادی مستمر و باثبات شوند (شاه‌آبادی و فعلی، ۱۳۸۹).

علاوه بر آن نظام بانکی نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای بخش مالی، نقش بسیار کلیدی و بی‌بدیل در توسعه بخش مالی دارد که با فراهم نمودن شرایط برای سپرده‌گذاری به شناسایی و تامین مالی کارفرمایانی که بیشترین شانس را برای تولید محصولات جدید و یا اجرای طرح‌های ابتکاری دارند، موجب تقویت حس سپرده‌گذاری در عموم افراد جامعه می‌شود. گروهی از نظریه‌پردازان به منظور دستیابی به بخش مالی توسعه‌یافته، توجه خاصی بر شناسایی عوامل

محرك توسعه بخش بانكي نموده‌اند كه آن عوامل را مي‌توان به دو دسته عمده اقتصادي مانند رشد اقتصادي، تورم، درجه باز بودن اقتصاد، حساب سرمايه و عوامل غيراقتصادي مانند عوامل نهادي از جمله شاخص آزادي اقتصادي تقسيم‌بندي نمود. شاخص آزادي اقتصادي از ابتداي سال ۱۹۸۶ توسط واكر^۱ و فريدمن^۲ در يك دوره از سمینارهایی كه بر سنجش آزادي اقتصادي متمرکز بود، مطرح شد. چندین محقق برجسته از جمله بكر^۳ و نورث^۴ نیز طی سال‌های ۹۴-۱۹۸۶ شاخص‌های آزادي اقتصادي را مورد تجزیه و تحلیل قرار دارند، در نهایت به این نتیجه رسیدند كه انسجام سیاست‌ها و عوامل نهادي يك كشور را باید با شاخص آزادي اقتصادي مورد سنجش قرار داد.

شاخص آزادي اقتصادي، شامل شاخص اندازه دولت (SG)^۵، ساختار قانوني و امنیت حقوق مالکیت (LS)^۶، دسترسی به پول سالم (SM)^۷، آزادي تجارت بین‌المللي (FT)^۸ و مقررات بازار اعتباري، کار و کسب و کار (REG)^۹ است. هافر^{۱۰} (۲۰۱۳)، چورتاریس و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۳)، شاه‌آبادي و ثمری (۲۰۱۳) و لوو و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۰) شاخص آزادي اقتصادي را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده توسعه بخش بانكي در کشورهای در حال توسعه می‌دانند كه با وجود تمام تلاش‌هایی كه در برنامه‌ریزی‌های اقتصادي انجام شده است، ولی نسبت به کشورهای توسعه یافته در خصوص تجهیز منابع مالي، تقویت حس سپرده‌گذاری بانكي در عموم افراد جامعه برای هدایت سرمایه‌های اندك آنان به سمت فعالیت‌های توليدي از موقعیت مناسبی برخوردار نیست.

بنابراین پایین بودن درجه شاخص آزادي اقتصادي کشورهای در حال توسعه یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر تضعیف عملکرد بخش بانكي است. از شاخص‌های اصلي آزادي اقتصادي موثر بر توسعه بخش بانكي می‌توان به اندازه دولت و ساختار قانوني و حقوق مالکیت اشاره نمود كه از يك طرف با کاهش حجم فعالیت دولت و آزاد شدن بخشی از منابع مالي شاهد افزایش حجم

¹ F. A. Walker

² M. Friedman

³ G. Becker

⁴ W. North

⁵ Government Size

⁶ Property Rights

⁷ Sound Money

⁸ Trade Freedom

⁹ Regulation

¹⁰ R. W. Hafer

¹¹ G. E. Chortareas et al

¹² S. W. Low et al

فعالیت بخش خصوصی با ریسک کمتر خواهیم بود. در حقیقت با کاهش اندازه و مالکیت دولت در حوزه بخش بانکی بهره‌وری این بخش افزایش یافته (کورای^۱، ۲۰۱۱) و زمینه برای افزایش فعالیت‌های اقتصادی فراهم شده و در پس آن حس پس‌انداز و سپرده‌گذاری در آنها تقویت می‌گردد. علاوه بر آن از دیدگاه توسعه‌ای و سیاسی میزان دخالت و اندازه فعالیت دولت تأثیر مثبت بر توسعه مالی دارد. در دیدگاه توسعه‌ای، جرسچنکرمن^۲ (۱۹۶۲) بر این باور است که دولت می‌تواند با غلبه بر شکست بازار از طریق کاهش هزینه و افزایش دسترسی به منابع مالی، زمینه را برای سپرده‌گذاری در بانک‌ها فراهم آورد. در دیدگاه سیاسی نیز کورنای^۳ (۱۹۷۹) معتقد است دولت با پیگیری اهداف سیاسی خود که متناقض با منافع دولتی است، می‌تواند به نتایج مطلوب کمتر در بخش مالی منجر شود که بیشتر در اقتصاد کشورهای با حقوق مالکیت ضعیف این امر منجر به افزایش ناکارآمدی از طریق افزایش حاشیه سود و هزینه سربار شده و حس سپرده‌گذاری در افراد را کور می‌کند. براساس این شاخص هنگامی که مخارج دولت نسبت به مخارج افراد، خانوارها و شرکت‌ها افزایش یابد، تصمیم‌گیری دولتی جایگزین انتخاب فردی شده و آزادی اقتصادی تقلیل می‌یابد. بنابراین هر چه سهم مخارج مصرفی دولت و سهم سرمایه‌گذاری دولت، پرداخت‌های انتقالی، یارانه‌ها و سهم درآمدهای نفتی در هزینه‌های دولت بالاتر باشد، انگیزه بخش خصوصی برای فعالیت در بخش تولیدی کاهش می‌یابد و زمینه برای افزایش کسری بودجه دولت فراهم شده و دولت برای رفع کسری بودجه به استقراض از طریق بانک مرکزی اقدام می‌نماید. افزایش مطالبات بانک مرکزی از دولت نیز منجر به افزایش پایه پولی و حجم نقدینگی شده و در پس آن منابع بخش بانکی برای اعتباردهی افزایش می‌یابد و زمینه را برای توسعه بخش بانکی فراهم می‌آورد.

از طرف دیگر ساختار قانونی با قوانین و مقررات شفاف و روان و امنیت حقوق مالکیت با بهبود تخصیص دارایی‌ها، شرایط را برای دستیابی به دارایی‌ها، امکان ورود دارایی‌ها به بازارهای مالی، افزایش تجمیع سرمایه‌های کوچک در طرح‌های بزرگ و در نهایت توسعه بخش بانکی فراهم می‌نماید (سلایسانس و لاون^۴، ۲۰۰۳، سحابی و همکاران، ۱۳۹۲ و شیخانی، ۱۳۸۴).

^۱ A. Cooray

^۲ A. Gerschenkron

^۳ J. Kornai

^۴ S. Claessens & L. Laeven

بنابراین اندازه فعالیت دولت، ساختار قانونی مناسب و امنیت حقوق مالکیت نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در توسعه بخش بانکی دارد.

هم‌چنین خاطر نشان می‌گردد دسترسی به پول سالم تاثیر به‌سزایی بر عملکرد بخش بانکی دارد، به طوری که سپرده‌گذاران در کشورهایی با سیاست‌ها و نهادهای مناسب و تورم پایین با اطمینان خاطر بیشتری در جهت تخصیص سرمایه خود برای سپرده‌گذاری در بخش بانکی اقدام می‌نمایند و منجر به افزایش عرضه منابع مالی و در نهایت توسعه بخش بانکی می‌شوند (چورتاریس و همکاران، ۲۰۱۳ و شاه‌آبادی و ثمری، ۲۰۱۳).

آزادی تجاری نیز یکی از عوامل مهم تاثیرگذار بر عملکرد بخش بانکی در سراسر جهان است که از شاخص مرکب محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای موثر بر صادرات و واردات تشکیل شده است. حال اگر این محدودیت‌ها بر ورود و خروج عوامل تولید اعمال گردد سبب کاهش عرضه، افزایش قیمت، کاهش تقاضا کالا و خدمات مورد نظر و کاهش سودآوری بخش تولیدی و در نهایت منجر به عدم دستیابی به دارایی‌ها، کاهش عرضه منابع مالی توسط افراد جامعه در بخش بانکی می‌شود (بالتاجی و همکاران^۱، ۲۰۰۸، دایی‌کریم‌زاده و نوبخت، ۱۳۹۲ و راستی، ۱۳۸۹).

تنظیم بازار نیروی کار و فضای کسب و کار و ضوابط بازار اعتبارات با ایجاد نیروهای بازاری که توانایی خلق و اجرا و پایان دادن به یک حرفه را بدون قوانین بازدارنده و محدودکننده ورود به فضای کسب و کار دارند و با فراهم نمودن شرایطی مانند امکان رقابت بانک‌های داخلی و خارجی و افزایش درصد پس‌انداز در بانک‌های خصوصی و... زمینه را برای سرمایه‌گذاری با تسهیل مبادله کالا و خدمات، افزایش سپرده‌گذاری، رقابت‌پذیری و بهره‌وری عوامل تولید فراهم می‌نماید. بنابراین تنظیم قوانین بازار اعتبارات و نیروی کار و فضای کسب و کار نیز نقش کلیدی در توسعه بخش بانکی دارد (شاه‌آبادی و ثمری، ۲۰۱۳ و راستی، ۱۳۸۹).

در ادامه، برخی از مطالعات انجام شده در زمینه توسعه مالی در قالب جدول (۱) به طور مختصر اشاره گردیده است.

^۱ B. H. Baltagi et al

جدول ۱. مروری بر مطالعات تجربی توسعه بخش بانکی

ردیف	نام نویسندگان	دوره و کشورهای مورد مطالعه	متغیرهای مستقل	نتایج
۱	سوفیان و شاه حبیب الله ^۱ (۲۰۱۳)	۱۹۹۹-۲۰۰۷ کشور مالزی	آزادی اقتصادی	آزادی اقتصادی اثر مثبت بر عملکرد بخش بانکی دارد.
۲	هافر (۲۰۱۳)	۱۹۸۰-۲۰۰۹ ۸۱ کشور منتخب	آزادی اقتصادی	آزادی اقتصادی رابطه مثبت و معناداری با توسعه مالی دارد.
۳	چورتاریس و همکاران (۲۰۱۳)	۲۰۰۱-۲۰۰۹ ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا	آزادی اقتصادی، آزادی مالی	درجه بالایی از آزادی اقتصادی منجر به بهبود عملکرد بخش بانکی می‌گردد.
۴	شاه‌آبادی و ثمری (۲۰۱۳)	۲۰۰۱-۲۰۱۱ کشورهای منتخب درحال توسعه و توسعه‌یافته	شاخص آزادی اقتصادی، تولید ناخالص داخلی، سرمایه بانک‌ها به مجموع دارایی‌ها، وام‌های ناموفق به کل وام	تاثیر شاخص آزادی اقتصادی بر سود بخش بانکی در هر دو گروه کشورهای مورد مطالعه مثبت و معنادار است.
۵	لوو و همکاران (۲۰۱۰)	۱۹۷۵-۲۰۰۶ کشورهای منتخب آسیای شرقی	آزادی اقتصادی	ارتباط بین آزادی اقتصادی و توسعه بخش بانکی مثبت و معنادار است.
۶	کورای (۲۰۱۱)	۱۹۹۰-۲۰۰۵ ۷۱ اقتصاد منتخب	اندازه و کیفیت دولت	افزایش کیفیت دولت و منشا قانونی تاثیر مثبت بر اندازه و کارایی بخش مالی دارد.
۷	کیم و همکاران ^۲ (۲۰۱۰)	۱۹۶۰-۲۰۰۵ ۸۸ کشور	باز بودن تجاری	باز بودن تجاری نقش بسیار مهمی در تعیین سطح توسعه مالی دارد به طوری که این رابطه در بلندمدت مثبت و در کوتاه‌مدت منفی است.
۸	بالتاجی و همکاران (۲۰۰۸)	۱۹۸۰-۲۰۰۲ کشورهای توسعه یافته	باز بودن مالی، باز بودن تجاری، درآمد سرانه	باز بودن مالی و تجاری از عوامل تعیین‌کننده بر توسعه بخش بانکی است.

¹ F. Sufian & M. Shah Habibullah

² D. H. Kim et al

ردیف	نام نویسندگان	دوره و کشورهای مورد مطالعه	متغیرهای مستقل	نتایج
۹	سلایسانس و لاورین (۲۰۰۳)	۱۹۸۰-۱۹۸۹ کشورهای منتخب در حال توسعه	حقوق مالکیت و رشد اقتصادی	رشد اقتصادی با فراهم نمودن شرایط دست‌یابی به دارایی‌ها، زمینه را برای ارتقاء توسعه مالی فراهم می‌نماید.
۱۰	زارعی و کمیجانی (۱۳۹۴)	۱۳۶۹-۱۳۹۲ کشور ایران	رشد نرخ ارز حقیقی، نرخ رشد تسهیلات اعطایی به بخش غیردولتی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی، نرخ رشد قیمت مسکن، و رشد میانگین نرخ بهره حقیقی	متغیرهای مستقل مذکور منجر به احتمال وقوع بحران‌های بانکی در ایران است.
۱۱	سحابی و همکاران (۱۳۹۲)	۱۹۹۶-۲۰۱۱ ۷۶ کشور در حال توسعه و توسعه یافته	حکمرانی خوب، اندازه دولت، نرخ تورم، درآمد سرانه، ج بازبودن تجاری	اندازه دولت اثر منفی و حکمرانی خوب اثر مثبت بر توسعه بخش مالی کشورها دارد.
۱۲	دایی‌کریم‌زاده و نوبخت (۱۳۹۲)	۲۰۰-۲۰۱۱ کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی	تسهیل تجاری و بهبود فضای کسب و کار و آزادی تجاری و مالی	تسهیل تجاری و آزادسازی تجاری و مالی بر توسعه مالی اثر مثبت و معناداری دارد.
۱۳	راستی (۱۳۸۹)	سال ۲۰۰۷، کشورهای در حال توسعه	تجارت بین‌الملل (شاخص‌ها: نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی، نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی)	افزایش سطح تجارت و آزادسازی تجاری در اقتصاد ایران و کشورهایی که اقتصاد آنها از منظر تجارت دنباله روی تقاضا است، باعث افزایش سطح توسعه مالی می‌شود.

منبع: یافته‌های تحقیق

۴. روش‌شناسی

در این قسمت با پیروی از مبانی نظری و مطالعات انجام شده در زمینه توسعه بخش بانکی توسط سوفیان و شاه حبیب‌الله (۲۰۱۳)، هافر (۲۰۱۳)، چورتاریس و همکاران (۲۰۱۳)، شاه‌آبادی و ثمری (۲۰۱۳) و لوو و همکاران (۲۰۱۰) مدل برآوردی و متغیرهای به کار رفته در آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

$$FD = F(TEF, FACB, PSDCB, RIR) \quad (1)$$

به بیان دیگر توسعه بخش بانکی، تابع شاخص آزادی اقتصادی، نسبت دارایی خارجی بانک مرکزی به پایه پولی، نسبت بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی به پایه پولی و نرخ سود واقعی است. در اینجا به بررسی تاثیر متغیرهای یاد شده بر بدهی‌های بخش غیردولتی به مجموع بدهی‌های بخش دولتی و غیردولتی (FD_1) و دارایی‌های بانک‌های تجاری و تخصصی به کل دارایی‌های سیستم بانکی (FD_2) به عنوان پروکسی از شاخص توسعه بخش بانکی پرداخته و معادله (۲) برآورد می‌شود که این مدل، لگاریتمی بوده و حرف L قبل از متغیرها بیانگر این مطلب است.

$$LFD = \beta_0 + \beta_1 LTEF_t + \beta_2 LRIR_t + \beta_3 LPSDCB_t + \beta_4 LFACB_t + \varepsilon_t \quad (2)$$

در جدول (۲) به طور مختصر به دلایل انتخاب شاخص‌های توسعه بخش بانکی اشاره می‌گردد.

جدول ۲. دلایل انتخاب شاخص‌های توسعه بخش بانکی

شاخص توسعه مالی	دلایل انتخاب شاخص
دارایی‌های بانک‌های تجاری و تخصصی به کل دارایی‌های سیستم بانکی	۱- بیانگر توانایی این بانک‌ها برای تأمین مالی طرح‌های اقتصادی و قدرت سپرده‌پذیری و وام‌دهی ۲- نشان‌دهنده اهمیت نسبی مؤسسات مالی سپرده‌پذیر ۳- استفاده از واسطه‌های مالی در هدایت پس‌انداز به سرمایه‌گذاری ۴- نظارت شرکت‌ها، اعمال حاکمیت شرکتها، تعهدی برای مدیریت ریسک به بانک مرکزی، ۵- اندازه-گیری اندازه بانک‌ها براساس سیستم بانک‌ها ۶- تصویری از اندازه واسطه‌گری دارایی‌های بانکی ۷- به نوعی بیانگر درجه پس‌انداز جامعه ۸- ارزیابی نقش بانک‌های تجاری در رابطه با توسعه اعتباری ۹- روند این شاخص بیانگر کارکرد رشد سیستم بانکی از نظر حجم ارایه تسهیلات اعطایی در قالب تسهیلات قرض‌الحسنه سیستم بانکی به جامعه ۱۰- معیاری برای اندازه‌گیری عمق مالی و ۱۱- بیانگر دارایی‌های

شاخص توسعه مالی	دلایل انتخاب شاخص
	بانک‌ها به نوعی کیفیت و کمیت خدمات ارائه شده توسط واسطه‌های مالی
بدهی‌های بخش غیردولتی به مجموع بدهی‌های بخش دولتی و غیردولتی	۱- از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی بهره‌وری بانک‌ها که مرتبط با ساختار مالکیت آن می‌باشد ۲- ارزیابی منبعی برای تسویه بدهی‌های دولتی و غیردولتی ۳- کارایی سیستم بانکی در به کارگیری امکانات بخش خصوصی در بخش تولید

منبع: یافته‌های تحقیق

در ادامه به بررسی عوامل موثر بر توسعه بخش بانکی پرداخته شده است:

شاخص آزادی اقتصادی (TEF)^۱: طبق تحقیقات تجربی می‌توان بیان داشت کشورهایی که دولت آن‌ها برای ارتقاء شاخص آزادی اقتصادی یک ساختار و چارچوب حقوقی و قانونی را برای حفاظت از حقوق صاحبان دارایی و اجرای عادلانه قراردادها فراهم و دسترسی به پول سالم را تسهیل کند و پول باثباتی را اریه دهد و از فعالیت‌ها و اعمالی که در انتخاب‌های شخصی، مبادله و معاوضه داوطلبانه و آزادی برای ورود به رقابت در بازارهای محصولات و کار مداخله می‌کند، خودداری نماید، شاهد افزایش انگیزه سپرده‌گذاری افراد جامعه و دارایی‌های بخش بانکی خواهیم بود، زیرا بهبود شاخص آزادی اقتصادی با افزایش حس سپرده‌گذاری افراد زمینه را برای اعتباردهی به بخش غیردولتی و افزایش دارایی‌های بخش بانکی فراهم می‌آورد و منجر به توسعه بخش بانکی می‌گردد. بنابراین مطابق با یافته‌های سوفیان و شاه‌حبیب‌الله (۲۰۱۳)، چورتاریس و همکاران (۲۰۱۳)، شاه‌آبادی و ثمری (۲۰۱۳) و لاو و همکاران (۲۰۱۰) انتظار بر این است که بهبود شاخص آزادی اقتصادی تاثیر مثبت و معناداری بر توسعه بخش بانکی داشته باشد. هم‌چنین باید خاطر نشان ساخت آمارهای مربوط به آزادی اقتصادی و شاخص‌های آن از Fraser Institute استخراج شده است.

نسبت دارایی خارجی بانک مرکزی به پایه پولی (FACB)^۲: پایه پولی از حاصل جمع دارایی‌های خارجی و داخلی بانک مرکزی است که دارایی‌های خارجی بانک مرکزی شامل ذخایر ارز، ذخایر طلا و دارایی‌های داخلی شامل مطالبات از دولت و مطالبات از بانک‌ها و مطالبات از بخش غیردولتی می‌باشد. بنابراین با افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی به عنوان پشتوانه پول، بانک مرکزی

^۱ Economic Freedom Total

^۲ Foreign Assets of The Central Bank to Monetary Base

اقدام به انتشار اسکناس نموده و با افزایش منجر به توسعه بخش بانکی می‌شود. بنابراین انتظار بر این است که نسبت دارایی خارجی بانک مرکزی به پایه پولی بر توسعه بخش بانکی اثر مثبت و معناداری داشته باشد (فرجی، ۱۳۷۷). هم‌چنین باید خاطر نشان ساخت آمارهای مربوط به دارایی خارجی بانک مرکزی به پایه پولی از پایگاه آماری بانک مرکزی ایران استخراج شده است.

نسبت بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی به پایه پولی (PSDCB)^۱: بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی جزیی از دارایی‌های داخلی بانک مرکزی محسوب می‌شود که در توسعه بخش بانکی اهمیت به سزایی دارد. افزایش بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی یا به عبارت دیگر افزایش مطالبات بانک مرکزی از دولت منجر به افزایش حجم پول در جامعه می‌شود که در این صورت سپرده‌گذارن بخشی از پول جدید را به صورت اسکناس نزد خود نگهداری کرده و بقیه آن را به صورت سپرده بانکی نزد بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌نمایند و زمینه را برای توسعه بخش بانکی فراهم می‌آورند (داودی و صمصامی، ۱۳۸۸). بنابراین انتظار می‌رود، افزایش نسبت بدهی دولت به بانک مرکزی به پایه پولی منجر به توسعه بخش بانکی شود (ماجدی و گلریز، ۱۳۶۸). هم‌چنین آمارهای مربوط به نسبت بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی به پایه پولی از پایگاه آماری بانک مرکزی ایران استخراج شده است.

نرخ سود واقعی (RIR)^۲: دارایی‌هایی مانند سپرده‌های بانکی دارای بازده ثابت و مطمئن و بدون ریسک و برخی دیگر مانند اوراق سهام، ارز و... دارای بازده نامطمئن و همراه با ریسک هستند. از آنجا که افراد در سبد دارایی‌های مالی خود ترکیبات مختلفی از پول نقد، سهام، سپرده بانکی، اوراق مشارکت، طلا و ارز را نگهداری می‌کنند و درصدد انتخاب سبد دارایی کارا هستند. بنابراین افزایش نرخ سود واقعی انگیزه افراد را برای سپرده‌گذاری در بانک‌ها افزایش داده و منجر به کاهش تقاضا برای سایر دارایی‌ها می‌شود. نرخ سود واقعی از اختلاف نرخ سود سپرده بانکی با نرخ تورم به دست آمده است. بنابراین طبق مطالعات لینچ^۳ (۱۹۹۶)، ازوجی و فرهادی‌کیا (۱۳۹۲) انتظار بر این است با افزایش نرخ سود واقعی، زمینه توسعه بخش بانکی فراهم شود. هم‌چنین آمارهای مربوط به نرخ سود واقعی از پایگاه آماری بانک مرکزی ایران استخراج شده است.

^۱ Public Sector Debt to The Central Bank to Monetary Base

^۲ Real Interest Rate

^۳ D. Lynch

۵. برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج

پیش از تخمین الگو لازم است پایایی متغیرهای مورد نظر در مدل، مورد آزمون قرار گیرد که در این مطالعه برای بررسی پایایی داده‌های سری زمانی از آزمون ریشه واحد دیکی فولر (ADF) استفاده شده است. زیرا در صورتی که متغیرها پایا نباشد، منجر به بروز مشکل رگرسیون کاذب شده و فرآیند تکنیک اقتصادسنجی ممکن است مناسب نباشد و تخمین رگرسیونی منجر به برآوردهای تورش‌دار و گمراه‌کننده شود (انگل و گرنجر، ۱۹۸۷)^۱. از این‌رو، ابتدا پایایی متغیرهای موردنظر آزمون شده و سپس به برآورد مدل پرداخته خواهد شد.

جدول ۳. نتایج آزمون ریشه واحد در سطح متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	تعداد وقفه بهینه	آماره ADF	مقادیر بحرانی		
			٪۱	٪۵	٪۱۰
LFD ₁	۱	-۲/۸۴۹	-۴/۳۳۴	-۳/۵۸	-۳/۲۲۸
LFD ₂	۲	-۲/۶۲۵	-۴/۳۴۳	-۳/۵۸۴	-۳/۲۲۳
LRIR	۲	-۲/۲۵	-۳/۷۰۹	-۲/۹۸۳	-۲/۶۲۳
LFACB	۱	-۲/۸۶۱	-۴/۳۳۴	-۳/۵۸	-۳/۲۲۸
LPSDCB	۱	-۱/۶۶۷	-۴/۳۳۴	-۳/۵۸	-۳/۲۲۸
LTEF	۱	-۲/۸۷۶	-۴/۳۳۴	-۳/۵۸	-۳/۲۲۸

منبع: محاسبات محقق

نتایج حاصل از ایستایی متغیرها، حاکی از آن است، تمام متغیرها با یک مرتبه تفاضل‌گیری ایستا شده‌اند. لذا برای بررسی هم‌انباشتگی مدل، از آزمون هم‌انباشتگی جوهانسون - جوسیلیوس^۲ و برای تعیین تعداد بردارهای هم‌انباشتگی از کمیت‌های آماره آزمون تریس^۳ و حداکثر مقدار ویژه^۴ استفاده شده است. فرض صفر در هر دو آزمون، عدم وجود هم‌انباشتگی است. نتایج این آزمون در جدول (۵) گزارش شده است که بر مبنای هر دو آماره، وجود یک بردار هم‌انباشتگی در سطح

^۱ R. F. Engle & C. Granger

^۲ Johansen Cointegration Test

^۳ Trace

^۴ Maximum Eigenvalue

احتمال ۵ درصد تأیید شده است. از این رو، فرض صفر مبنی بر عدم هم انباشتگی رد می‌شود.

جدول ۴. نتایج آزمون ریشه واحد در تفاضل مرتبه اول متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	تعداد وقفه بهینه	آماره ADF	مقادیر بحرانی		
			٪۱	٪۵	٪۱۰
LFD ₁	۱	-۳/۳۲۳	-۳/۷۲۳	-۲/۹۸۹	-۲/۶۲۵
LFD ₂	۲	-۳/۵۲	-۳/۷۳	-۲/۹۹۲	-۲/۶۲۶
LRIR	۱	-۵/۸۲۵	-۳/۷۲۳	-۲/۹۸۹	-۲/۶۲۵
LFACB	۰	-۴/۶۵۴	-۳/۷۱۶	-۲/۹۸۶	-۲/۶۲۴
LPSDCB	۰	-۴/۱۹۶	-۳/۷۱۶	-۲/۹۸۶	-۲/۶۲۴
LTEF	۱	-۵/۵۴۹	-۳/۷۲۳	-۲/۹۸۹	-۲/۶۲۵

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۵. آزمون ماتریس اثر (λ_{trace}) و حداکثر مقادیر ویژه (λ_{max})

متغیر	آزمون	فرضیه صفر	فرضیه مقابل	آماره آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪	احتمال
FD ₁	λ_{trace}	$r=0$	$r \geq 1$	۸۲/۲۶۹۶	۶۹/۸۱۸۹	۰/۰۳۷
		$r=1$	$r \geq 2$	۴۵/۴۹۷۰	۴۷/۸۵۶۱	۰/۰۸۱۹
		$r=2$	$r \geq 3$	۲۵/۱۸۰۲	۲۹/۷۹۷۰	۰/۱۵۵۱
		$r=3$	$r \geq 4$	۱۱/۰۶۱۰	۱۵/۴۹۴۷	۰/۲۰۷۸
		λ_{max}	$r=0$	$r \geq 1$	۳۶/۷۷۲۵	۳۳/۸۷۶۸
$r=1$	$r \geq 2$		۲۰/۳۱۶۸	۲۷/۵۸۴۳	۰/۳۱۹۶	
$r=2$	$r \geq 3$		۱۴/۱۱۹۲	۲۱/۱۳۱۶	۰/۳۵۵۳	
$r=3$	$r \geq 4$		۱۰/۸۶۵۴	۱۴/۲۶۴۶	۰/۱۶۱۱	
FD ₂	λ_{trace}	$r=0$	$r \geq 1$	۸۵/۹۷۹۵	۶۹/۸۱۸۸	۰/۰۰۱۵
		$r=1$	$r \geq 2$	۴۴/۵۹۶۹	۴۷/۸۵۶۱	۰/۰۹۸
		$r=2$	$r \geq 3$	۱۷/۹۵۳۴	۲۹/۷۹۷۰	۰/۰۶۵۴
		$r=3$	$r \geq 4$	۷/۴۵۴۴۱	۱۵/۴۹۴۷	۰/۵۳۵۴

متغیر	آزمون	فرضیه صفر	فرضیه مقابل	آماره آزمون	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪	احتمال
λ_{max}		$r = 0$	$r \geq 1$	۴۱/۳۸۲۶	۳۳/۸۷۶۸	۰/۰۰۵۳
		$r = 1$	$r \geq 2$	۲۶/۶۴۳۴	۲۷/۵۸۴۳	۰/۰۶۵۶
		$r = 2$	$r \geq 3$	۱۰/۴۹۹۰	۲۱/۱۳۱۶	۰/۶۹۶۹
		$r = 3$	$r \geq 4$	۷/۴۵۴۴۱	۱۴/۳۶۴۶	۰/۴۳۶۹

منبع: یافته‌های تحقیق

شایان ذکر است تعداد وقفه‌های بهینه با توجه به معیار شوارتز-بیزین تعیین شده است. در ادامه آزمون تشخیص صحت الگو از نظر واریانس همسانی، نرمال بودن جملات پسماند، فرم تبعی مدل و همبستگی سریالی آزمون گردیده است. نتایج مربوط به آزمون‌های تشخیص در جدول (۶) آمده است.

جدول ۶. نتایج آزمون تشخیص

نوع آزمون	FD ₁	FD ₂	نتایج
آزمون فرم تبعی مدل (آزمون رمزی)	F: ۱/۸۶ Prob: ۰/۱۶۲	F: ۲/۴۴ Prob: ۰/۸۹۱	با توجه به آماره F و ارزش احتمال فرض مبنی بر درست بودن فرم تابع تخمین زده شده را نمی‌توان رد کرد.
آزمون نرمال بودن باقیمانده‌ها	Prob: ۰/۰۵۱۱	Prob: ۰/۰۵۳۹	به سه دلیل توزیع پسماند نرمال است: ۱- قدر مطلق چولگی بین ۰/۱ و ۰/۵ است ۲- آماره JB که توزیع آن چپی دو از چپی دو جدول در سطح ۵٪ کوچکتر است ۳- احتمال نرمال بودن بزرگتر از ۵٪ است.
آزمون تشخیص همسانی واریانس	Prob: ۰/۱۵۰۹	Prob: ۰/۰۹۵۸	نتایج آزمون وایت نشان‌دهنده قبول فرضیه H ₀ مبنی بر همسانی واریانس بین جملات پسماند می‌باشد.
آزمون خودهمبستگی	Prob: ۰/۰۲۰۵ DW: ۱/۲۳۶	Prob: ۰/۰۱۲۱ DW: ۱/۱۸۸۴	نتایج آزمون بریوش-گادفری ^۱ نشان‌دهنده رد فرضیه H ₀ مبنی بر عدم وجود خود همبستگی بین

¹ Brvsh- Godfrey

نوع آزمون	FD ₁	FD ₂	نتایج
			جملات پسماند است که برای رفع آن از روش تبدیل پریس- وینستن ^۱ استفاده شده است. شایان ذکر است مقدار دوربین واتسون بعد از رفع خودهمبستگی در مدل اول و دوم به ترتیب برابر ۲/۰۷۶ و ۱/۹۳۲ است.

منبع: یافته‌های تحقیق

بعد از انجام آزمون‌های تشخیص به منظور برآورد صحیح مدل، به تخمین مدل می‌پردازیم: نتایج حاصل از تخمین در جدول (۷) حاکی از آن است که شاخص آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه بخش بانکی دارد، در حقیقت آزادی اقتصادی با ایجاد نظام قانونی کارآمد و امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به پول سالم، آزادی تجاری و تنظیم مناسب قوانین بازار اعتباری، بازار نیروی کار و کسب و کار با حجم پایینی از فعالیت‌های دولت می‌تواند زمینه را برای تجهیز منابع مالی و هدایت سرمایه‌های اندک افراد به سمت فعالیت‌های تولیدی غیردولتی فراهم آورد و منجر به افزایش سوددهی بخش‌های تولیدی و افزایش درآمد و تقویت حس سپرده‌گذاری بانکی در عموم افراد جامعه و افزایش دارایی‌های بخش بانکی شده و در نهایت زمینه را برای توسعه بخش بانکی فراهم آورد. سوفیان و شاه حبیب‌الله (۲۰۱۳)، چورتاریس و همکاران (۲۰۱۳) و لاو و همکاران (۲۰۱۰) نیز این رابطه را مورد ارزیابی قرار داده و به این نتیجه دست یافته‌اند که ارتقاء شاخص آزادی اقتصادی منجر به توسعه شاخص‌های بخش بانکی می‌گردد.

طبق نتایج تخمین جدول (۷) نیز متغیر نسبت دارایی‌های خارجی بانک مرکزی به پایه پولی تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه بخش بانکی دارد. افزایش سهم دارایی‌های خارجی بانک مرکزی در پایه پولی موجب افزایش انتشار اسکناس و مسکوک گردیده و آن گاه مردم بخشی از پول جدید را نزد بانک‌های تجاری سپرده‌گذاری می‌نمایند. به این ترتیب به ازای ایجاد هر پول جدیدی توسط بانک مرکزی بخشی از آن به صورت سپرده‌های بانکی در اختیار بانک‌های تجاری قرار می‌گیرد. بانک‌های تجاری نیز بخشی از سپرده‌های سپرده‌گذاران را به صورت ذخیره نگهداری کرده و بقیه آن را صرف اعطای وام و اعتبار به وام‌گیرندگان می‌نمایند و منجر به توسعه بخش بانکی می‌گردد (فرجی، ۱۳۷۷).

^۱ Prys- Winstone

جدول ۷. نتایج برآورد عوامل تعیین‌کننده توسعه بخش بانکی

متغیر	FD _t	FD _{t-1}
C	۱/۶۸۸ (۰/۰۰۰)	۱/۵۵۷ (۰/۰۰۰)
LRIR	۰/۰۱۹ (۰/۰۴۸)	۰/۰۲ (۰/۰۰۲)
LPSDCB	-۰/۱۵۲ (۰/۰۰۰)	-۰/۲۹۹ (۰/۰۰۰)
LFACB	۰/۰۳۴ (۰/۰۰۵)	۰/۱۰۸ (۰/۰۰۰)
LTEF	۰/۱۷۸ (۰/۰۰۰)	۰/۲۷۶ (۰/۰۰۱)
Durbin-Watson	۱/۹۳۲۳	۲/۰۷۶
R-Squared	۰/۸۴۹۳	۰/۹۱۷۷
Adj R-Squared	۰/۸۲۶۱	۰/۹۰۵
F	۳۶/۶۴	۷۲/۴۶

منبع: یافته‌های تحقیق

*اعداد داخل پرانتز مقدار p-value را نشان می‌دهد.

هم‌چنین نتایج جدول (۷) حاکی از آن است که با کاهش نسبت بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی به پایه پولی شاهد توسعه بخش بانکی می‌باشیم، به عبارت دیگر افزایش پایه پولی ناشی از افزایش بدهی‌های دولت به بانک مرکزی منجر به کاهش اعتباردهی به بخش غیردولتی و کاهش منابع بانکی شده و زمینه را برای محدودیت بخش بانکی فراهم می‌آورد. داودی و صمصامی (۱۳۸۸) و ماجدی و گلریز (۱۳۶۸) نیز این مورد را مورد ارزیابی و تأیید قرار داده‌اند. نرخ سود واقعی نیز از مهم‌ترین مولفه‌هایی است که تمایل سپرده‌گذاری عموم افراد جامعه را در بخش بانکی، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

طبق نتایج جدول (۷) نرخ سود واقعی تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه بخش بانکی دارد. علت این امر این است که افراد در سبد دارایی خود ترکیبات مالی مختلفی از جمله پول نقد،

سهام، سپرده‌های بانکی، اوراق مشارکت و... نگهداری می‌کنند و در انتخاب این سبد دارایی درصدد آن هستند که حداکثر بازدهی را از دارایی‌های خود کسب نمایند. بنابراین زمانی که نرخ سود واقعی افزایش می‌یابد، افراد درصد بیشتری از دارایی‌های خود را برای سپرده‌گذاری در بخش بانکی صرف می‌نمایند. در این صورت زمینه برای اعتباردهی به بخش غیردولتی در حوزه تولید توسط بانک‌ها فراهم شده و منجر به توسعه بخش بانکی می‌گردد. ازوجی و فرهادی‌کیا (۱۳۹۲) نیز تاثیر این شاخص را بر توسعه بخش بانکی مثبت و معنادار ارزیابی نموده‌اند.

۶. نتایج و پیشنهادها

از مهم‌ترین ابعاد توسعه مالی، بخش بانکی است که تاثیر بسزایی در فرآیند تجهیز پس‌اندازها، شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و متنوع‌سازی ریسک دارد. آزادی اقتصادی عامل تعیین‌کننده در جهت توسعه بخش بانکی است که با افزایش درجه آزادی اقتصادی زمینه را برای تجهیز منابع مالی، تقویت حس سپرده‌گذاری بانکی در عموم افراد جامعه برای هدایت سرمایه‌های اندک آنان به سمت فعالیت‌های تولیدی فراهم می‌نماید. بنابراین کشورهایی که دارای نظام قانونی کارآمد و امنیت حقوق مالکیت، پول سالم، آزادی تجاری و تنظیم مناسب قوانین بازار اعتباری، بازار نیروی کار و کسب و کار با حجم پایینی از فعالیت‌های دولت می‌باشند، بخش بانکی می‌تواند بستر مناسب را برای افزایش منابع بانکی با تحریک انگیزه سپرده‌گذاری در بخش بانکی و ایجاد منابع مناسب برای تامین وجوه سرمایه‌گذاری‌های غیردولتی فراهم آورد. طبق مطالعات بسیاری از محققان نظیر هافر (۲۰۱۳)، لاو و ساینی (۲۰۱۲) و لوو و همکاران (۲۰۱۰) کیفیت نهادها از جمله آزادی اقتصادی تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر عملکرد بخش بانکی دارد، اما به دلیل نوپا بودن این موضوع در ایران، هنوز در محافل حقوقی و اقتصادی مطالعات جامعی پیرامون آنها صورت نگرفته است. بنابراین هدف اصلی پژوهش بررسی تاثیر آزادی اقتصادی بر توسعه بخش بانکی است، که نتایج مؤید این مساله است که آزادی اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر توسعه بخش بانکی دارد.

هم‌چنین متغیرهای نسبت دارایی‌های خارجی بانک مرکزی به پایه پولی و نرخ سود واقعی تاثیر مثبت و معناداری بر تجهیز منابع مالی، تقویت حس سپرده‌گذاری بانکی در عموم افراد جامعه برای هدایت سرمایه‌های اندک آنان به سمت فعالیت‌های تولیدی و در نهایت توسعه بخش بانکی ایران دارد. متغیر نسبت بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی به پایه پولی نیز تاثیر منفی و معناداری

بر توسعه بخش بانکی دارد. بنابراین به منظور توسعه‌یافتگی بخش بانکی پیشنهاد می‌شود دولت با تدوین و اجرای قوانینی در جهت حمایت از حقوق مالکیت، اجرای عادلانه قراردادهای و حل و فصل قابل قبول و دو جانبه اختلافات گام بردارد و با اتخاذ سیاست‌ها و ایجاد نهادهایی کارا، زمینه را برای نرخ تورم پایین و باثبات فراهم آورد و با ایجاد فضای مناسب برای راه‌اندازی کسب و کار و بهبود قوانین بازار کار برای تسهیل ورود، خروج و جابه‌جایی نیروی کار حس سپرده‌گذاری افراد جامعه را افزایش و زمینه را برای اعتباردهی به بخش غیردولتی و افزایش دارایی‌های بخش بانکی فراهم آورد و منجر به توسعه بخش بانکی گردد. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود بسترهای مناسبی جهت استفاده از مکانیزم عرضه و تقاضا جهت تعیین نرخ سود بانکی مهیا شود.

منابع

- ازوجی، علاءالدین، فرهادی‌کیا، علیرضا (۱۳۸۶). ارزیابی اثرات سیاست‌های آزادسازی مالی و تغییرات نرخ بهره بانکی بر توسعه بخش مالی در اقتصاد ایران (با استفاده از تکنیک VECM). فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۷(۴): ۱۴۰-۱۱۹.
- دایی‌کریم‌زاده، سعید، نوبخت، صابر (۱۳۹۲). تأثیرپذیری توسعه مالی و رشد اقتصادی از تسهیل تجاری، بهبود فضای کسب و کار و آزادسازی تجاری و مالی (در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی). فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد اقتصادی، ۲(۶): ۱۱۰-۸۷.
- داوودی، پرویز، صمصامی، حسین (۱۳۸۸). اقتصاد پول و بانکداری. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- راستی، محمد (۱۳۸۹). بررسی رابطه توسعه مالی و تجارت بین‌الملل در کشورهای در حال توسعه (رویکرد علت و معلولی و مقایسه کشورهای صادرکننده و غیر صادرکننده نفت). فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۵(۴۵): ۴۷-۲۵.
- زارعی، ژاله، کمیجانی، اکبر (۱۳۹۴). شناسایی و پیش‌بینی بحران‌های بانکی در ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی مدل‌سازی اقتصادی، ۹(۲۹): ۲۳-۱.
- سحابی، بهرام، اعتصامی، منصور، امین‌پور، خالد (۱۳۹۲). بررسی اثر حکمرانی خوب و اندازه دولت بر توسعه مالی در کشورهای منتخب. فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۳(۱۲): ۱۱۸-۱۰۵.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل، فعلی، پریسا (۱۳۸۹). تأثیر توسعه مالی بر بهره‌وری کل عوامل در ایران. فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ۶(۲۴-۲۳): ۱۳۳-۱۱۱.

- صمدی، علی حسین (۱۳۸۹). توسعه مالی و آزمون فرضیه باز بودن همزمانی (تجاری و مالی) اقتصاد ایران (۸۵-۱۳۵۰). فصلنامه سیاست‌گذاری اقتصادی، ۱(۲): ۱۸۲-۱۵۲.
- فرجی، یوسف (۱۳۷۷). پول و ارز و بانکداری. نشر بازرگانی، تهران.
- موسسه فریزر (۱۳۸۴). شاخص آزادی اقتصادی (ترجمه: شیخانی، حسین). دوماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ۱(۱۱): ۷۰-۴۸.
- ماجدی، علی و گلریز، حسن (۱۳۶۸). پول و بانک. مرکز آموزش بانکداری، تهران.
- Baltagi, B. H., Demetriades, P. O. and Law, S. H. (2008). Financial development and openness: Evidence from panel data. *Working Paper*, No. 107.
- Chortareas, G. E., Girardone, C. and Ventouri, A. (2013). Financial freedom and bank efficiency: Evidence from the European Union. *Journal of Banking and Finance*, 37(4): 1223-1231.
- Cooray, A. (2011). The role of the government in financial sector development. *Economic Modelling*, 28(3): 928-938.
- Claessans, S. and Laeven, L. (2003). Financial development, property rights, and growth. *The Journal of Finance*, LVIII(6): 2401-2436.
- Engle, R. F. and Granger, C.W.J. (1987). Cointegration and error correction: Representation, estimation and testing. *Econometrica*, 55(2): 251-276.
- Friedman, M. (2001). Friedman on Friedman. *Rivista Di Storia Economica, Società Editrice Il Mulino*, 1(1): 127-132.
- Gerschenkron, A. (1962). *Economic Backwardness in Historical Perspective: A Book of Essays*. Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.
- Hafer, R. W. (2013). Economic freedom and financial development: International evidence. *Cato Journal*, 33(1): 111-126.
- Haan, J. and Sturm, J. (2006). How to handle economic freedom. *Econ Journal Watch*, 3(3): 407-4011.
- Kim, D. H., Lin, S. C. and Suen, Y. B. (2010). Dynamic effects of trade openness on financial development. *Economic Modelling*, 27(1): 254-261.
- Kornai, J. (1979). Resource-constrained versus demand-constrained systems. *Econometrica*, 47(4): 801-819.
- Law, S. H. and Azman-Saini, W. N. W. (2012). Institutional quality, governance, and financial development. *Economics of Governance*, 13(3): 217-236.
- Low, S. W., Ghazali, N. A., Ramlee, S. and Mohd Said, R. (2010). Economic freedom and banking development: The experiences of selected East Asian countries. *Journal Pengurusan*, 3: 71-81.

- Levine, R. (2004). Finance and growth: Theory and evidence. *NBER Working Paper*, No. 10766.
- Lynch, D. (1996). Measuring financial sector development: A study of selected ASIA- PACIFIC countries. *The Development Economies*, XXXIV(1): 3-33.
- Miletkov, M. and Wintoki, M. B. (2012). Financial development and the evolution of property rights and legal institutions. *Emerging Markets Review*, 13(4): 650-673.
- Rajan, R. G. (2005). Has financial development made the world riskier?. *NBER Working Paper*, No. 11728.
- Shahabadi, A. and Samari, H. (2013). The Effect of economic freedom on bank performance. *Iranian Journal of Economic Studies*, 1(2): 123-142.
- Sufian, F. and Shah Habibullah, M. (2010). Does economic freedom foster banks performance? Panel evidence from Malaysia. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 6(2): 77° 91.
- www.freetheworld.com
- www.cbi.ir
- www.ibep.ir/amar/timeseries/cointegration.htm

